



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آفات و پیراهه های احیای دین

یعقوب علی برجی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آفات و بیراهه‌های احیای دین

نویسنده:

یعقوب علی برجی

ناشر چاپی:

یعقوب علی برجی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	آفات و بیراهه‌های احیای دین
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۷	ضرورت احیای دین
۷	اشاره
۸	دیدگاه افراطی
۸	اشاره
۸	تاریخچه
۸	میرزا ملکم خان
۹	میرزا یوسف خان (مستشار الدوله)
۹	احمد کسروی
۱۰	دیدگاه تفریطی
۱۰	اشاره
۱۰	تاریخچه
۱۰	بربهاری
۱۱	ابن تیمیه
۱۱	محمد بن عبدالوهاب
۱۲	بررسی
۱۳	نتیجه گیری
۱۳	اشاره
۱۳	پاورقی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۵

آفات و بیراهه‌های احیای دین

مشخصات کتاب

نویسنده: یعقوب علی برجی

ناشر: یعقوب علی برجی

چکیده

بسیاری از حرکت‌هایی که داعیه احیای دین داشته‌اند نه تنها دین را احیا نکرده و از خرافات و انحرافات پاکسازی نکرده‌اند بلکه خود موجب پیدایش انحراف جدیدی در دین گردیده‌اند. عده‌ای از آنان راه افراط را پیموده و به بهانه احیای دین هر گونه تأویل و تفسیری را در دین مجاز شمرده‌اند و عده‌ای دیگر راه تفریط را پیش گرفته و با حربه احیای دین با هر گونه نوآوری و پویایی دین به مبارزه برخاسته و چهره‌ای خشک و انعطاف‌ناپذیر از دین را به نمایش گذاشته‌اند. حال باید دید چرا این جریانها موفق نبوده‌اند و چه علل و عواملی باعث انحراف آنان شده است. آفات و خطرات احیای دین را نمی‌توان در چند عامل خاص منحصر ساخت. آفت زدگی در هر حرکتی متناسب با وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمان خود، معلول یک سری علل و عوامل ویژه‌ای است؛ اما می‌توان چند عامل را به عنوان عوامل مشترک برشمرد از آن جمله: فاصله از سنت، تکیه بر قیاس و رأی، ضعف بنیه علمی، بی‌ایمانی و هواپرستی، عوامل سیاسی و.. است.

مقدمه

با تشکر از دست‌اندرکاران سمینار «امام حسین (ع) و احیای دین» که زمینه را برای اظهار نظر درباره‌ی مقوله بسیار جدی و مهم احیای دین، فراهم ساخته و صاحب‌نظران را به تکاپو در جهت تأمل در مبانی احیای دین، کاوش در روشهای احیاگران و ارزیابی‌توفیق نظری و عملی آنان و... واداشته است. از میان موضوعات معرفی شده، موضوع «احیای دین و خطرات، آفات و بیراهه‌های آن» برای تحقیق برگزیده شد. هدف، این است که با بررسی اجمالی بعضی از حرکت‌های انحرافی که با داعیه «احیای دین» به صحنه آمده‌اند و نیز نشان دادن جهت انحراف آن و علل و عوامل رسوخ انحراف در این قبیل حرکتها بتوانیم گامی هر چند کوچک در جهت معرفی خطرها و آفات احیای دین برداریم.

ضرورت احیای دین

اشاره

قرآن مجید برخلاف انجیل و تورات با درخشش ویژه خود با کلام زمینیان مخلوط نمی‌گردد تا چه رسد که در برابر آنها رنگ باخته، ممزوج گردد و به شکل کتاب ناموزون و بد آهنگ جلوه کند؛ گر چه گرفتار تحریفهای معنوی جمعی از کژاندیشان شده و خواهد شد؛ اما سنت پیامبر (ص) که بسان تبصره و مفسر در کنار قانون اساسی الهی قرار دارد، چون در قالب الفاظ بشری بیان گشته و نگارش یافته از گزند تحریفهای لفظی و معنوی مصون نمانده و اسرائیلیات و نصرانیات احادیث ما شاهد این مدعاست. البته علاوه بر شگردهای دشمنان، هوای نفس برخی از شرع‌باوران که خودنمایی و جاه‌طلبی خود را در نقل زیاد احادیث دیدند و می‌بینند و نیز ناآگاهی بسیاری از آنان از سنت اصیل پیامبر و امامان معصوم (ع) به بازار بدعت و تحریف رونق می‌بخشد و چهره

اسلام را دگرگون می‌سازد و ضرورت احیای دین و پیراستن آن را از پیرایه‌ها ایجاب می‌کند. افزون بر پیدایش تحریفات، گاهی پیدایش موضوعات جدید و دگرگونی در نظامهای مختلف اجتماعی موجب بازنگری دوباره در دین و احیای آن برای افزایش توان پاسخگویی به مسائل نو پیدا می‌گردد. احیای دین با همه ضرورت و اهمیتی که دارد، کاری بس دشوار، ظریف و خطرناک است. بسیاری از جریانهای منحرف و مکتبهای گمراه کننده که در دامن اسلام پدید آمدند با داعیه احیای دین به صحنه آمده و با حربه‌ی دین، تیشه به ریشه دین زده‌اند. شناخت این جریانها و نشان دادن زاویه‌های انحرافی آنها و نیز بررسی علل و عوامل پیدایش آنها بر هر اندیشمند مسلمان لازم است. در این نوشتار دو جریان فکری (افراطی و تفریطی) که با شعار احیای دین، ضربه‌های خطرناکی بر پیکر دینزده و می‌زنند، مطرح می‌شود تا عبرت آنانی باشد که در این راه گام برمی‌دارند.

دیدگاه افراطی

اشاره

طرفداران این دیدگاه، احیای دین را در تأویل و تصرف در ظواهر الفاظ و تطبیق دین با علوم و مکاتب بشری معرفی کرده‌اند. شعار آنان این بود که در اسلام باید دگرگونی‌هایی متناسب با تئوریهای علمی روز پدید آید و اصول و مبانی اسلام باید با علوم روز و مکاتب بشری تطبیق شود. آنان این تفکر را با تعبیرات و عنوانهای مختلفی ابراز کرده‌اند نظیر: پروتستانیسم اسلام، [۱] پیرایشگری اسلام، [۲] امتزاج اسلام با علوم فرنگ، [۳] بهره‌ور کردن مذهب اسلام از جمیع اختراعات جدید غربی، [۴] مدرنیزه کردن اسلام، [۵] اصلاح دین [۶] و... این نوشتار، گنجایش طرح و بررسی همه اقطار این جریان فکری را ندارد، لذا به گونه‌ای مختصر اقطار تعدادی از آنان را مورد توجه قرار می‌دهیم:

تاریخچه

این تفکر، ابتدا در کشورهایمانند هند و مصر پیدا شد. شاید بتوان شاه ولی الله دهلوی هندی را از پایه‌گذاران آن به شمار آورد و پس از ایشان، سر سید احمدخان هندی، از جمله شخصیت‌های مهم هندی است که در انطباق دادن اسلام با یافته‌های علمی جدید بسیار کوشید. وی معتقد بود که در راه اخذ تمدن غرب، ناچار باید در افکار دینی تجدید نظر، و به اصطلاح احیاءگری شود. به نظر وی، حقانیت اسلام راستین، در موافقت آن با طبیعت و قوانین علم نهفته است. وی در سال ۱۸۷۵ م کالجی در علیگره تأسیس کرد که در آنجا تعالیم دینی با بررسیهای جدید علمی آمیخته شود. یکی دیگر از این دسته روشنفکران سید امیرعلی است. وی در کتاب «روح اسلام» کوشیده است تعالیم پیامبر گرامی اسلام (ص) را بر پایه فواید جسمانی و اجتماعی آنها تفسیر کند. این جریان روشنفکری خودباخته از هند به مصر و از مصر به ایران و کشورهای دیگر اسلامی کشیده شد. برای رعایت اختصار به معرفی اجمالی چند چهره مؤثر از روشنفکران ایران بسنده می‌کنیم.

میرزا ملکم خان

میرزا ملکم خان را مغز متفکر فراموشخانه و پدر روشنفکر ایران لقب داده‌اند. دو خصلت غربزدگی و تطبیق قوانین اسلام با علم روز، در نوشته‌های وی بخوبی نمایان است. آقای دکتر عبدالهادی حائری می‌نویسد: «ملکم خان از پشتیبانان یکدنده آوردن ارزشهای غربی به ایران و از هواخواهان سرمایه‌گذاری کشورهای استعمارگر اروپا در این کشور بود.» [۷]. خود وی در گفتگوش با «بلنت» انگلیسی می‌گوید: «دانستم تغییر ایران به صورت اروپا کوشش بی‌فایده‌ای است. از این رو فکر ترقی مادی را در لفاف دین عرضه

داشتم تا هموطنانم آن معانی را نیک دریابند.» [۸].

میرزا یوسف خان (مستشار الدوله)

نام وی میرزا کاظم تبریزی و از روشنفکران غربزده است که در مسیر تطبیق اسلام با نظامات غربی، تصرفات بیجای فراوانی در احکام اسلام انجام داده و به گمان خود دین را احیا کرده است. وی کتابی به نام «یک کلمه» [۹] نوشته است که در آن، ابتدا به مقایسه میان کد (قانون اساسی فرانسه) با فقه انجام می‌دهد و در جهت تطبیق آن با کد، احکام دینی را تفسیر و تأویل کرده، می‌نویسد: «چندی اوقات خود را به تحقیق اصول قوانین فرانسه صرف کرده، بعد از تدقیق و تعمیق همه آنها را با قرآن مجید، مطابق یافتیم.» [۱۰] مثلاً تئوری جدایی قوا را از تفاوت میان حکم و فتوی استفاده می‌نماید. [۱۱] و نظام پارلمانی را با قاعده مشورت پیوند می‌دهد و نیز آزادی بیان را با دستور اسلام به امر به معروف و نهی از منکر همانند می‌داند. [۱۲]. عبدالهادی حائری می‌نویسد: «به نظر ما مستشارالدوله در این گونه برخورد، که قصد ایجاد هماهنگی میان قواعد اسلام و ارزشهای اروپایی داشته، جدی نبوده، او می‌دانسته است که این دو مطلب، یعنی اسلام و اصول مشروطه غربی با هم تفاوت دارند. ولی از سوی دیگر او آگاه بود که مردم میهن او برای دریافت و هضم مطالبی که رنگ اسلامی داشته باشد، بیشتر آمادگی داشته‌اند، بنابراین کوشید که اندیشه‌های نو را با آیات قرآن و حدیث بیاراید.» [۱۳].

احمد کسروی

تفکر افراطی در احیای دین و دخل و تصرفهای بیباکانه در دین، که توسط روشنفکران طبقه اول آغاز شده بود، در زمان کسروی به اوج خود رسید و سر از نسخ اسلام و پایه‌گذاری دینی جدید به نام «پاکدینی» درآورد. شاید از این سخن تعجب کنید، اما متأسفانه واقعیت دارد و خود کسروی بی‌پرده از آن اظهار کرده و کتاب «در پیرامون اسلام» را برای اثبات آن تألیف نموده است. وی در گفتار پنجم آن کتاب تحت عنوان «اسلام و پاکدینی» می‌نویسد: «در گفتار چهارم گفتیم بنیاد همه دینها یکی است، از این رو پاکدینی با اسلام بنیادش یکی است، اسلام راهی پدید آورده بود، ولی آن را برای خواستهایی می‌بوده و اکنون ما آن را از راه بسیار بهتری پیش می‌بریم.» او برای زمینه‌سازی، ابتدا می‌کوشد اثبات کند که دین اسلام تحریف شده و نیازمند احیاء است و در این باره می‌نویسد: «اسلام دو تاست یکی اسلامی که پاکمرد عرب ۱۳۵۰ سال پیش بنیاد نهاد و تا قرنها برپا می‌بود، دیگر اسلامی که امروز هست و به رنگهای گوناگون از سنی، شیعی، اسماعیلی نمودار گردید. این دو اسلام هیچ شباهتی به هم ندارند بلکه آخشیح (ضد) یکدیگرند.» [۱۴] کسروی با داعیه احیاءگری دینی، انواع توهینها و تهمت‌ها را به روحانیت که مشعلداران اسلام راستین هستند، وارد می‌ساخت. [۱۵] و آنان را افراد نادان، مفت‌خوار، بیکاره و به دور از فرهنگ و تمدن معرفی می‌کرد. [۱۶]. حضرت امام خمینی (ره) کتاب کشف الاسرار را در پاسخ یاوه‌گوییهای امثال کسروی تألیف نموده و نوشته‌اند: «قلمهایی که بر ضد روحانیت به کار می‌رود، کمک به نابود کردن اسلام و اساس استقلال آن است.» [۱۷]. بعد از کسروی به موازات پیدایش مکتبها و گرایشهای گوناگون در کشورهای غربی، جریان روشنفکری نیز در ایران شتاب بیشتری پیدا کرد و این مدعیان دروغین احیاءگری دینی به هر گونه گرایش و مکتب جدیدی که در کشورهای غربی پیدا می‌شد، بلافاصله آب و رنگ اسلامی زده، و تلاش می‌کردند از کتاب و سنت برای این اندیشه‌ی نو، مؤیداتی پیدا، و آیات الهی را با آن تطبیق کنند و بدین سان بود که سوسیالیسم اسلامی، [۱۸] راسیونالیسم اسلامی، [۱۹] ترانفورمیسم اسلامی، [۲۰] ناسیونالیسم اسلامی، [۲۱] دیالیک تیک توحیدی [۲۲] و... پدید آمد. گروهی از اینان با انگیزه احیاءگری دینی و پیراستن اسلام و فهماندن درست آن می‌خواستند از این مکاتب کمک بگیرند؛ غافل از اینکه جمع میان اسلام و بسیاری از این گرایشها و مکتبها هر گونه ممکن نیست. چگونه می‌توان بین پراگماتیسم، که اصالت را به تجربه

و عمل می‌دهد، یا اومانیسیم، که اصالت را به انسان و انتخاب او می‌دهد و یا... با اسلام، که اصالت را به وحی می‌دهد، جمع کرد؟ علمی که به تجربه مادی تکیه دارد چگونه می‌تواند اصولی را که با تجربه‌های مادی قابل ارزیابی نیست، ارزیابی کند؟ و...

دیدگاه تفریطی

اشاره

در مقابل دیدگاه افراطی، گرایش‌هایی قرار دارد که احیای دین را به معنای جمود بر الفاظ قرآن و روایات تفسیر کرده، با هر گونه نوآوری و امر جدیدی که در زمان پیامبر (ص) نبوده به عنوان بدعت در دین مبارزه می‌کنند. در میان شیعیان، اخباریان و در میان اهل سنت، پیروان احمد بن حنبل را می‌توان از طرفداران این دیدگاه معرفی کرد و اکنون وهابیان نمونه کامل این جران فکری هستند و به لحاظ اینکه این جریان فکری هنوز رواج دارد و در همه کشورهای اسلامی به عنوان احیای دینی و ترویج دین عتیق [۲۳] تبلیغ می‌شود، آن را بطور خیلی مختصر طرح می‌کنیم.

تاریخچه

بسیاری از نویسندگان که در نقد اندیشه‌های وهابیان کتاب نوشته‌اند ابن تیمیه را بنیانگذار این جریان فکری معرفی کرده‌اند. [۲۴]؛ در حالی که چهار قرن قبل از ابن تیمیه، بر بهاری از علمای بزرگ حنبلی در کتاب «السنه» بیشتر نظریات وهابیان را ابراز کرده و او نیز به نوبه‌ی خود از عقیده نص گرایانه و خشک [۲۵] احمد بن حنبل متأثر بودهاست. بنابراین برای دست یافتن به ریشه‌های این تفکر افراطی و سیر تحولات آن، لازم است ابتدا نظریات بر بهاری را بررسی کرد.

بر بهاری

ابومحمد حسن بن علی بن خلف بر بهاری (متوفی ۳۲۹ هـ ق) از دانشمندان معروف حنبلی در قرن چهارم بود. ولی افکارش را در کتابی به نام «السنه» بیان کرده که متن کامل آن را قاضی ابی‌الحسین محمد بن ابی‌یعلی در «طبقات الحنابله» [۲۶] نقل کرده است و ما بخشی از آن را نقل می‌کنیم: وی هر گونه بحث و تفکر در ذات و صفات خدا را بدعت دانسته و نوشته است: «و اعلم ان الکلام فی الرب تعالی محدث و هو بدعه... و الفکره فی الله بدعه... و اعلم انه انما جاء هلاک الجهمیه من انهم فکروا فی الرب [۲۷] همچنین معتقد است که خداوند در قیامت با چشم سر قابل رؤیت است. [۲۸]. ملاحظه می‌کنید که بر بهاری با بستن در تفکر و تعقل در مورد خدا به دره هولناک تجسیم سقوط کرده است. بر بهاری شیعیان را به جرم ایمان به به رجعت و علم غیب برای امامان تکفیر، و آنان را متهم می‌کند که معتقدند علی بن ابی‌طالب زنده است و قبل از قیامت رجعت می‌کند. [۲۹]. این سخن وی، نشان می‌دهد که ایشان تصور درستی از رجعت نداشته است. رجعتی که شیعیان و برخی از دانشمندان اهل سنت به آن معتقدند، رجوع به دنیا بعد از مرگ است. درباره علم غیب امامان نیز باید گفت که شیعه بر اساس آیات متعدد قرآن [۳۰] و روایات متواتر [۳۱] به علم غیب معتقد است. بر بهاری در فروع دین بر سه نکته تأکید دارد و احیای دین را منوط به رعایت این سه نکته می‌داند. [۳۲] ۱- پرهیز از بدعت؛ واژه بدعت در این اثر فراوان به کار رفته است به گونه‌ای که شاید کمتر صفحه‌ای یافت شود که در آن واژه بدعت چند بار به کار نرفته باشد. وی در این زمینه می‌نویسد: «از نوآوریهای کوچک در کار دین پرهیزید زیرا همین بدعت‌های کوچک، اندک‌اندک پا گرفته، بزرگ می‌شود و... و در پایان به دینی مبدل گشته، مردمان زیادی بدان می‌گروند.» [۳۳]. وی می‌نویسد: «هر گونه علمی که بندگان از علوم باطنی ادعا نمایند که در کتاب و سنت یافت نشود بدعت و گمراهی است و کسی حق ندارد بدان

عمل، و مردم را به آن دعوت کند.» [۳۴]. ۲- دومین نکته‌ای که بر بهاری نسبت به آن سفارش فراوانی کرده، پرهیز از عمل به رأی و قیاس است. وی می‌نویسد: «یکی از اسباب نابودی و گمراهی جهمیه این بود که قیاس را وضع نموده، دین خدا را طبق رأی خود قیاس می‌کردند و در نتیجه به سوی کفر روشن کشیده شدند.» [۳۵]. ۳- او در این کتاب، مسلمانان را به بازگشت به دین عتیق به گونه‌ای که در روزگار سه خلیفه اول رایج بود، فرامی‌خواند. [۳۶].

ابن تیمیه

تقی الدین ابوالعباس احمد بن شهاب الدین عبدالحلیم بن مجدالدین حرانی دمشقی الحنبلی (وفات ۷۲۸) معروف به ابن تیمیه یکی از شارحان افکار حنبلیان و بویژه «بر بهاری» است. وی همانند بر بهاری احیای دین را در دو بخش اصول و فروع بر دو اصل مبتنی می‌داند: ۱- پیروی از سلف ۲- اصل عدم تأویلی می‌نویسد: «بعضی از جهال می‌پندارند راه سلف درباره‌ی فهم صفات و اسمای خدا سالمتر است ولی راه خلف و متأخران استوارتر و علمی‌تر. اما بیشتر اینان بدعتگزار و منحرفند زیرا راه فیلسوفان را بر راه سلف صالح ترجیح می‌دهند.» [۳۷] وی بر اساس این دو اصل، همه صفات افعالی را که در قرآن ذکر شده و حاکی از جسمانیت و مشاهده خداوند با بشر است صحیح دانسته و تأویل آنها را روا نمی‌داند؛ مانند اثبات دست برای خدا [۳۸] جلوس خدا بر عرش [۳۹] و قابل رؤیت بودن خدا در آخرت [۴۰] و... چنانکه مشاهده می‌کنید، تکیه بر این دو اصل در بخش توحید صفاتی نه تنها موجب احیای افکار دینی نمی‌گردد بلکه سر از شرک و تجسیم در آورده است. افکار ابن تیمیه در بخش توحید افعالی و عبادی نیز بسیار خشک و غیر قابل انعطاف است و اختلاف نظری که وی در این بخش با سایر مذاهب اسلامی داشت منشأ تکفیرها، طعن‌ها و اتهامات گوناگون وی به سایر مذاهب اسلامی می‌گردید. دکتر عباس زریاب خویی در «دایرة المعارف بزرگ اسلامی» [۴۱] مقاله مفصلی در شرح آرای ابن تیمیه به تحریر کشیده، اما با کمال تأسف این بخش از افکار تیمیه را خیلی خلاصه در چند سطر مطرح ساخته است. ابن تیمیه بسیاری از اعمال و مراسم رایج در میان مسلمانان بویژه شیعیان را منافی با توحید افعالی و عبادی می‌داند مانند توسل به اولیا و انبیا و واسطه قرار دادن آنان میان خالق و مخلوق. [۴۲] استاد جعفر سبحانی در مقام رد اندیشه‌های ابن تیمیه روایات زیادی از پیامبر [۴۳] و سیره صحابه آورده که در زمان پیامبر و صحابه توسل به انبیا و اولیا امر رایجی بوده و پیامبر نه تنها آن را منافی توحید ندانسته بلکه مسلمانان را به این عمل تشویق کرده است. ابن تیمیه نه تنها منکر این روایات نیست بلکه خود وی بیشتر این روایات را در رساله «الاستغاثه» [۴۴] برای اثبات شفاعت پیامبر و صحت توسل به آن حضرت نقل کرده است. بنابراین وی منکر مطلق توسل نیست بلکه می‌گوید خواستن کارهای خدایی از پیامبر منافی با توحید افعالی است نظیر فرستادن باران، رویانیدن گیاهان، آمرزش گناهان [۴۵] و... و ما اثبات خواهیم کرد که تقاضای این گونه امور از پیامبر هیچ تنافی با توحید افعالی و عبادی ندارد. ابن تیمیه همچنین درخواست شفاعت از اولیا [۴۶] و استعانت از غیر خدا [۴۷]، نذر برای غیر خدا [۴۸] و... را شرک و بدعت معرفی کرده است. ما در این مختصر در مقام رد افکار ابن تیمیه نیستیم. بحمد الله تاکنون کتابهای زیادی در رد این دیدگاه نوشته شده است و فقط در یک جمله اشاره می‌شود که اختلاف میان ابن تیمیه و سایر مذاهب در این بخش اختلاف صغروی است. اصل کبری که هیچ موجودی حتی پیامبران و اولیا را نباید شریک خدا قرار داد، مورد توافق و قبول همه مذاهب است و لکن در مقام تطبیق، بسیاری از مراسم رایج میان مسلمانان را ابن تیمیه مصداق شرک قرار داده که سایر مذاهب این اتهام را از او نمی‌پذیرند و می‌گویند همه این اعمال مورد تأیید و تصویب خداست و با اجازه خود اوست و هر گونه قدرت و توانی که پیامبران و اولیا دارند از ناحیه خدای متعال است.

جریان فکری که با شعار احیای دین و پیروی از سلف صالحین به وسیله بر بهاری بنیانگذاری شد و بعد از چند قرن، توسط ابن تیمیه و شاگردش ابن القیم ترویج و گسترش یافت و بر یک سوی اصول و مبانی استوار گردید، در سده اخیر توسط محمد بن عبدالوهاب به عنوان یک مذهب و شیوهی خاص در جامعه پیاده گردید. گرچه ابن تیمیه برای تحقق بخشیدن و پیاده کردن افکار و عقاید خود شدت و صلابت عجیبی از خود نشان داد لکن آن شدت عملهایش نتیجه‌ای جز زندان، و آوارگی و در نهایت کشته شدن در زندان، چیز دیگری برای وی به ارمغان نیاورد. اما بخت، یار محمد بن عبدالوهاب بود، یا به عبارت بهتر، سیاست استعمارگران یارش بود و با پیوند دادن تفکرات نادرست او با قدرت و حکومت آل سعود، زمینه پیاده کردن آنها در منطقه حجاز فراهم گردید. محمد بن عبدالوهاب نیز استفاده از موقعیت به دست آمده و تلاش در پیاده کردن افکار ناصحیح خود را مغتنم شمرد و آنها را در منطقه حجاز به مورد اجرا گذاشت. بدین سان بود که معابد و مشاهد انبیا و اولیا را تخریب، و همه آثار باستانی و فرهنگی و مذهبی منطقه حجاز را نابود کرد. داستان غمبار این تراژدی را از کتابهایی که در شرح زندگی و رد افکار محمد بن عبدالوهاب نوشته اند، می‌توان به دست آورد. در این نوشتار اشاره‌ای به اصول افکار او که در کتاب التوحید و رساله‌های دیگرش آمده است، می‌کنیم: محمد بن عبدالوهاب همانند اسلاف خود، احیای دین را شعار خود قرار داده است و بیشتر مباحثش پیرامون بدعت‌زدایی در مسأله توحید دور می‌زند. وی در کتاب التوحید ابتدا توحید را به سه نوع تقسیم کرده است: ۱- توحید ربوبی که مورد قبول مشرکان قریش بوده است. [۴۹]. ۲- توحید الوهی که بر اساس آن بندگان باید فقط خدا را بخوانند. نذر و قربانی برای او کنند. ترس، امید، توکل و انابه‌ی بندگان تنها به او باشد. ۳- توحید اسماء و صفات. در ادامه بحث می‌نویسد: «بدان که ضد توحید، شرک است و شرک نیز بر سه نوع است: ۱. شرک اکبر ۲. شرک اصغر مثل ریاض ۳. شرک خفی. شرک اکبر به نوبه خود به چهار نوع تقسیم می‌گردد: ۱- شرک دعوت ۲- شرک نیت ۳- شرک در اطاعت ۴- شرک محبت [۵۰]. در رساله پنجم می‌نویسد: «کفار زمان پیامبر به خالقیت و رازقیت الهی معتقد بودند و مشکل آنان تنها در توحید الوهی بوده است و آن این است که جز خدا را نباید خواند و به غیر او نباید دل بست. خدایی جز او نیست و شریکی ندارد. نباید پیش غیر او استغاثه نمود و برای غیر او قربانی، نذر کرد، چه آن غیر ملک مقرب باشد یا نبی مرسل. کسی که به غیر خدا استغاثه کند، به تحقیق کافر گردیده و کسی که برای غیر خدا ذبح و قربانی نماید، همانا کافر شده است.» [۵۱]. در رساله اولی می‌نویسد: «معرفت و شناخت شرک در پرتو شناخت چهار قاعده میسر می‌گردد: ۱- کافرانی که پیامبر با آنان به مبارزه برخاست، همه به خالق، رازق، محیی و ممیت بودن خدا اعتراف داشتند. [۵۲]. ۲- کافران، بتها را وسیله قرب به خدا قرار داده بودند. [۵۳]. ۳- مشرکان هنگام بعثت پیامبر، موجودات مختلفی را می‌پرستیدند؛ از آن جمله خورشید و ماه [۵۴] بندگان صالح، [۵۵] ملائکه، [۵۶] انبیا و پیامبران، [۵۷] درختان و جمادات. [۵۸]. ۴- مشرکان زمان ما، شرکشان از شرک مشرکان صدر اسلام بزرگتر است؛ زیرا آنان تنها هنگام آسایش غیر خدا را می‌خواندند ولی اینان در همه حال غیر خدا را می‌خوانند. [۵۹]. منظور وی از مشرکان زمان ما، تمام فرقه‌های اسلامی غیر از طرفداران مذهب حنبلی است و شاهد این مدعا این است که وی در کتاب «مجموعه التوحید» بسیاری از مراسم رایج میان مسلمانان را شرک قلمداد کرده است که برای نمونه عنوانهای چند باب از ابواب کتاب «مجموعه التوحید» را نقل می‌کنیم: نذر برای غیر خدا شرک است. استغاثه به غیر خدا و کمک خواستن از غیر خدا شرک است. خواندن غیر خدا شرک است. بستن نخ به حلقه‌های ضریح برای برطرف کردن بلا شرک است. پرستیدن خدا در کنار قبر بنده صالح شرک است و... [۶۰].

بررسی

به نظر می‌رسد میان این گونه کارها، که بین مسلمانان رایج است از قبیل نذر یا توسل به انبیا و اولیا و... با اعمال مشرکان صدر اسلام یک تفاوت اصولی وجود دارد که محمد بن عبدالوهاب یا آن را نفهمیده یا اگر فهمیده خود را به نفهمیدن زده است و آن

تفاوت اصولی این است که مشرکان بتها را عبادت می‌کردند و آنها را در هستی مؤثر می‌دانستند، از این رو در آیه ۳۱ سوره‌ی زمر، که مورد استشهاد محمد بن عبدالوهاب بود، خدای متعال از این قبیل کارهای مشرکان به عبادت تعبیر کرده است در صورتی که بر اعمال رایج میان مسلمانان عنوان عبادت قابل اطلاق نمی‌گردد. مسلمانی که برای پیامبر (ص) یا امامی نذر می‌کند و یا از آن حضرات استعانت می‌جوید، هرگز به الوهیت آنان معتقد نیست و آنان را مؤثر مستقل در جهان نمی‌داند بلکه بر این باور است که این بزرگان به خاطر بندگی خالصانه نزد خداوند تقرب یافته‌اند و خدای متعال با وساطت آنان، اگر صلاح باشد، مشکل بنده‌اش را حل یا حاجت او را برآورده می‌کند.

نتیجه گیری

اشاره

از مباحث پیشین روشن گردید که بسیاری از حرکت‌هایی که داعیه احیاگری داشته‌اند نه تنها دین را احیا نکرده از خرافات و انحرافات پاکسازی نکردند؛ بلکه خود موجب پیدایش انحراف جدیدی در دین گردیده‌اند؛ برخی از آنان راه افراط را پیموده و به بهانه احیای دین هر گونه تأویل و تفسیری را در دین مجاز شمرده‌اند و عده‌ای دیگر راه تفریط را در پیش گرفته و با حربه احیای دین با هر گونه نوآوری و پویایی دین به مبارزه برخاسته‌اند و چهره‌ای خشک و انعطاف‌ناپذیر از دین به نمایش گذاشته‌اند. حال، باید دید که چرا این جریانها موفق نبوده‌اند؟ چه علل و عواملی باعث انحراف آنان شده است؟ آفات و خطرهای احیای دین را نمی‌توان در چند عامل خاص منحصر ساخت. آفت‌زدگی در هر حرکتی متناسب با اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمان خود، معلول علل و عوامل ویژه‌ای است که می‌توان چند عامل را به عنوان عوامل مشترک برشمرد از آن جمله: فاصله از سنت، تکیه بر قیاس و رأی، ضعف توان علمی، بی‌ایمانی و هواپرستی، عوامل سیاسی و...

پاورقی

[۱] اندیشه‌های میرزا، فریدون آدمیت، ج ۲۲۱ / ۱، تهران، چاپ اول.

[۲] همان، ج ۶۴ / ۱.

[۳] اندیشه ترقی و حکومت قانونی، ج ۴۵ / ۲، تهران، چاپ دوم.

[۴] «یک کلمه» میرزا یوسف خان به نقل از کتاب «شهید مطهری افشاگر توطئه» / ۱۶۲.

[۵] «مسالک المحسنین» عبدالرحیم طالبوف / ۲۶ - تهران، انتشارات شبگیر.

[۶] کلید فهم قرآن، سنگلجی، تهران، چاپخانه مجلس.

[۷] تشیع و مشروطیت در ایران ص ۴۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.

[۸] اندیشه ترقی / ۶۴۰۶۵.

[۹] وی در این کتاب راز ترقی کشورهای غربی را در یک کلمه یعنی قانون معرفی می‌کند. تشیع و مشروطیت در ایران / ۳۲.]

[۱۰] یک کلمه، مستشارالدوله، ص ۱۶.

[۱۱] همان ص ۴۰.

[۱۲] همان ص ۴۸.

[۱۳] تشیع و مشروطیت در ایران ص ۳۹.

[۱۴] در پیرامون اسلام ص ۸۹، تهران، کتابفروشی پایدار چاپ چهارم.

[۱۵] همان ص ۳۰ و ۲۹.

[۱۶] همان ص ۴ و ۲۹.

[۱۷] کشف الاسرار، امام خمینی ص ۲.

[۱۸] ایده آل بشر ص ۶ و ۵.

[۱۹] احیاء فکر دینی در اسلام ص ۱۴۶.

[۲۰] راه انبیا راه بشر.

[۲۱] بازیابی ارزشها ص ۳۸۷.

[۲۲] تبیین جهان بینی سازمان مجاهدین ص ۵۶۹.

[۲۳] به همین جهت آنان را سلفیه می‌نامند زیرا آنان خود را تابع سلف صالح یعنی اصحاب پیامبر و تابعین می‌دانستند «وهابیان، علی اصغر فقیهی ص ۲۳».

[۲۴] نظیر سید محسن امین عاملی در کتاب کشف الارتیاب ص ۱۲۷ و جعفر سبحانی در کتاب آیین وهابیت ص ۳۳.

[۲۵] طبقات الحنابله - ج ۲ از صفحه ۱۸ تا ۴۴، بیروت، دار المعرفه و النشر.

[۲۶] طبقات الحنابله - ج ۲ از صفحه ۱۸ تا ۴۴، بیروت، دار المعرفه و النشر.

[۲۷] همان ج ۲۹، ۳۰ / ۲.

[۲۸] همان ج ۳۰ / ۲.

[۲۹] طبقات الحنابله ج ۴۱ / ۲.

[۳۰] ر. ک. به: آل عمران آیه ۱۷۹، الجن آیه ۲۶، یس آیه ۱۲، الحاقه آیه ۳۰، حدید آیه ۲۳.

[۳۱] روایات وارده در این زمینه را شیخ علی نمازی شاهرودی به ۲۸ نوع تقسیم کرده است. اثبات ولایت و رساله علم غیب ص ۳۱۸.

[۳۲] همان.

[۳۳] طبقات الحنابله ج ۱ / ۲ / ۱.

[۳۴] همان ص ۳۵.

[۳۵] همان ص ۳۴.

[۳۶] همان ص ۳۴.

[۳۷] العقیده الحمویة الکبری - ضمن مجموعه الرسائل الکبری - ج ۱ ص ۴۲۷، بیروت، احیاء القرار.

[۳۸] المائده آیه ۶۴.

[۳۹] الاعراف آیه ۵۴.

[۴۰] منهاج السنه النبویه ج ۲۱۵ / ۱، بصره، مطبعة الکبریا لامبریة.

[۴۱] دایرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۸۲ / ۳.

[۴۲] الواسطه بین الحق و الخلق، ابن تیمیه ص ۸ - ضمن رسائل المدینه السلفیه، مصر، ذکریا علی یوسف.

[۴۳] التوصل الی حقیقه التوسل، رفاعی، ص ۱۵۸ و صحیح ابن ماجه ج ۲۶۱ / ۱.

[۴۴] الاستغاثه، ص ۴۸۲ - ضمن مجموعه رسائل الکبری، بیروت، احیاء الستوات العربی.

[۴۵] همان.

[۴۶] زیارت القبور السریعیه و الشکیه ص ۲۷ - ضمن مجموعه رسائل الدینیه و السلفیه چاپ شده، مصر، ذکریا علی یوسف.

[۴۷] همان ص ۲۳.

[۴۸] همان ص ۲۲.

[۴۹] یونس آیه ۳۱.

[۵۰] مجموعه التوحید، رساله اولی ص ۷ - ۳ - مدینه، مطبعه محمد عبدالمحسن.

[۵۱] همان - رساله خامسه ص ۱۵۳.

[۵۲] یونس ۳۱.

[۵۳] زمر آیه ۳.

[۵۴] فصلت آیه ۳۷.

[۵۵] سبا آیه ۴۲ و ۴۰.

[۵۶] مائده آیه ۱۱۶.

[۵۷] اعراف آیات ۱۴۰ و ۱۳۸.

[۵۸] عنکبوت آیات ۶۶ و ۶۵.

[۵۹] مجموعه التوحید، رساله اولی ص ۷۳.

[۶۰] مجموعه التوحید صفحات ۱۶ و ۲۴ و ۳۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

